

# اعدام زندانیان سیاسی همچنان ادامه دارد

عدم پاسخ مقامات جمهوری اسلامی به ادعای سازمان های بین المللی حقوق بشر خود گویاترین سند محکومیت کسانی است که به نام "عدالت اسلامی" هزاران انسان بیگناه را به جوخه های اعدام سپرده اند و یا به شکنجه گاه های وحشتناک روانه کرده اند. آنچه در زیر آمده است خلاصه ای از آخرین گزارش سازمان عفو بین الملل پیرامون پایمال نمودن حقوق بشر در ایران است که در روز ۹ مهرماه سال جاری منتشر گردیده

ادامه در ص ۳

سرکوب خشن حقوق بشر در ابعاد گسترده ای در کشور ما ادامه می یابد. سازمان های حقوق بشر، از جمله کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و سازمان عفو بین الملل در گزارشات خود در ماه های اخیر رژیم جمهوری اسلامی را بار دیگر به خاطر عدم رعایت ابتدایی ترین حقوق مندرج در منشور حقوق بشر سازمان ملل متحد محکوم کرده اند.

پاسخ اخیر سازمان عفو بین الملل به ادعاهای سراپا دروغ رئیس قوه قضائیه در جمهوری اسلامی و

نامه

مردم

از کارکن مرکزی حزب توده ایران

شماره ۳۸۶، دوره هفتم،  
سال هشتم، ۲۱ مهر ۱۳۷۱

## چلوه های عطوفت

سر درگمی ناشی از ژرفش بحرانی همه جانبه، دستپاچگی در برابر رویدادهای اخیر کشور، دست اندرکاران رژیم را به نشان دادن واکنش های نسنجیده واداشته است که در میان آنها، نمونه های خوبی برای خود افشاگری رژیم وجود دارد.

اخیرا اسدالله لاجوردی، جلاذ معروف و رئیس زندانهای کشور طی پرسش و پاسخی که از تلویزیون پخش شد (کانال یک- سه شنبه ۱۶ تیر ۱۳۷۱) به قصد نشان دادن جلوه هایی از "عطوفت اسلامی" دسته گل هایی به آب داد که در خور توجه است.

برای آنکه سخنی بی جا گفته نشود به قسمت هایی از این پرسش و پاسخ اشاره می شود و روی نکاتی چند مکث می گردد.

از لاجوردی پرسیده می شود: "حاج آقا، عده ای از زندانیان دچار بیماریهای صعب العلاج می شوند برخورد شما با این قبیل زندانیان چگونه است؟"

ادامه در ص ۴

## صنایع ملی در خطر نابودی

صنایع تولیدی کشور دوران دشواری را پشت سر می گذرانند. سیاست های مخرب اقتصادی که توسط دولت جمهوری اسلامی طرح ریزی و به مورد اجرا گذارده شده، ضربه سنگینی بر ساختار صنایع کشور وارد کرده و آن را در خطر نابودی قرار داده است.

ورود بی رویه و بدون کنترل کالاهای مصرفی که در سال گذشته مبلغ ۲۸ میلیارد دلار مخارج ارزی برای کشور ایجاد کرده، امکان رقابت سالم را برای کارگاههای تولیدی کشور از بین برده است.

بسته شدن کارخانه ها و کارگاههای تولیدی و بیکارشدن نیروی کار این موسسات، عواقب اجتماعی این سیاست است که هر روز ابعاد گسترده تری در جامعه پیدا می کند. براساس آمار رسمی، تعداد بیکاران کشور از مرز ۲/۵ میلیون نفر گذشته است.

اساس ساختار اقتصادی و برنامه ریزی دولت جمهوری اسلامی کلا در جهت تامین منافع سرمایه داری بزرگ تجاری ایران که تنها هدفش ورود و فروش کالا می باشد، طرح ریزی گردیده است. عدم توجه و حمایت دولت به بخش تولیدی به مفهوم آن است که سرمایه داری صنعتی ایران که عموماً در کار تولید داخلی است هر روز با مشکلات جدیدتری دست به گریبان است. کمبود مواد اولیه مورد نیاز کارگاههای تولیدی، مشکلات فراوان ارزی و مشخص نبودن سیاست دولت

ادامه در ص ۴

در دیگر صفحات:

اتحاد در "بلوک چپ"

ص ۸

اتحاد وسیع اپوزیسیون  
در عراق

ص ۸

گزارشی از اعتصابات،  
اعتراضات و ... در ایران

ص ۶

## سال تحصیلی نو، دردهای کهنه

درصد بسیار کوچکی از ۹۰۰ هزار نفر متقاضی تحصیل در مراکز آموزش عالی که در مهار غول های ایدیولوژیکی و مراحل گوناگون تفتیش و گزینش موفق گردیده اند، مدتی از انرژی ها و اوقات آموزشی خود را صرف بهره مندی از يك مسکن دانشجویی، سرگردانی در یافتن يك اتاق با اجاره بهایی سنگین و سرشکن سازی هزینه گران امکانات

ادامه در ص ۲

سال تحصیلی که همواره بسان عیدی بزرگ و با شوری آمیخته به امید آغاز می گردد، امسال نیز با انباشتی از مشکلات عظیم آموزشی، اجتماعی و سیاسی دانش آموزان و دانش آموختگان میهن ما را سراغ گرفته است و برای اکثریت عظیمی از جمعیت ۱۷ میلیونی دانش آموزی و چهره های معصوم نوآموزگان تحصیلی تابلویی از بی کفایتی ها را به میان نهاده است.

# زنده باد آزادی و صلح، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!

## صنایع ملی در خطر ...

در زمینه برابری ریال در کنار قساد زیاد دستگاههای اداری، تنها گوشه ای از مشکلاتی است که تولید کنندگان داخلی با آن دست به گریبانند. درآمد هنگفت کشور از محل فروش نفت خام، بجای اینکه صرف ساختمان زیربنای اقتصاد تولیدی گردد عمدتاً صرف وارد نمودن کالا می شود. این روند بیمار و مخرب سالهاست که همچنان با شدت در میهن ما ادامه یافته است و ایران را در حصار وابستگی صنعتی به کشورهای بزرگ جهان محبوس نموده است.

براساس آمار رسمی طی دوره ۱۳۷۰-۱۳۵۰ حداقل ۲۰۰ میلیارد دلار حاصل از درآمد نفتی، صرف واردات به منظور رفع نیازهای مصرفی شده است.

اخیراً در سمیناری که با عنوان "دفاع از تولید ملی" در تهران برگزار گردید، دشواری های متعدد صنایع تولید داخلی به شکل واضح و روشنی در روزنامه های مجاز کشور انتشار یافت. اوضاع در این عرصه آنچنان وخیم است که حتی صدای برخی از صاحب منصبان حاکمیت نیز بلند شده است.

ابوالقاسم سرحدی زاده، (وزیر کار سابق) و دبیر سمینار "دفاع از تولید ملی" از جمله در سخنان خود این نگرانی را چنین عنوان کرد: "شعار دولت آقای رفسنجانی در ابتدا "دولت کار و تولید" بود ولی در زمینه آزادسازی تجاری، راهی که در پیش گرفته اند و سیاست هایی که اتخاذ می شود با آن هدفی که دولت در ابتدا در پیش گرفته بود مغایرت دارد..." (روزنامه سلام ۹ مهر ۱۳۷۱).

به گفته وی گشودن مرزهای کشور به روی واردات خارجی پیامدهای ناگوار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خواهد داشت. به اعتراف سرحدی زاده در حالی که "سازمان برنامه و بودجه کشور از بهبود اوضاع اقتصادی سخن می گوید، ولی بیکاری، توقف و تعطیلی بنکاهای تولیدی در کشور عکس آن را نشان می دهد..."

به ادعای آقای سرحدی زاده "دنیای استکبار

طرقدار حاکمیت تجاری است نه حاکمیت تولیدی..." اگر بخواهیم روشن سخن بگوییم باید گفت که این جمهوری اسلامی و سردمداران آن هستند که طرقدار پروپاقرص "حاکمیت تجاری" هستند، برکسی پوشیده نیست که این تاجر بزرگ بازار و نمایندگان سیاسی آنها هستند که اکنون سکان رهبری جمهوری اسلامی را به دست گرفته و تولید ملی کشور را به سمت نابودی سوق می دهند.

صنایع تولیدی سنگین که پایه و اساس ساختار صنعتی کشور را تشکیل می دهند در اسفناک ترین وضع ممکن در سال های اخیر قرار گرفته اند.

براساس آمارهای اخیر، صنایع کشور نه تنها در سال های گذشته رشدی نداشته اند، بلکه روند تخریب و منقبض شدن را از نظر اقتصادی طی کرده اند. نیروی فعال در صنایع کشور از سال ۵۵ تا سال ۶۵ نزدیک به ۱۴ درصد کاهش یافته و از تعداد ۱/۷۷ میلیون نفر به ۱/۴۵ میلیون نفر سقوط کرده است.

علت اصلی این کاهش بسته شدن کارگاههای تولیدی از یک طرف و عدم تأمین بخش خصوصی به دلیل نبود قانونیت، امنیت و حمایت دولت در سرمایه گذاری در صنایع جدید است. آمار صدور پروانه تاسیس کارگاههای تولیدی این روند را به روشنی ترسیم می کند.

براساس آمار اداره کل آمار و ارزیابی وزارت صنایع سنگین تعداد صدور پروانه تاسیس کارگاه از ۵۲۷ واحد در سال ۶۳ به ۲۲۸ واحد در سال ۱۳۷۰ سقوط کرده است که کاهش بیش از ۵۰ درصد را نشان می دهد.

علی رغم ادعاهای گوناگون برنامه پنجساله اقتصادی دولت، واقعیت های جامعه حکایت از روند تخریب صنایع تولید ملی و حرکت کشور به سمت یک جامعه کاملاً مصرفی می کند.

بورروازی تجاری بزرگ ایران در طول دهه های اخیر همواره نقش فوق العاده مخربی در صنایع کشور بازی نموده است و این شرایط دشوار مستقیماً نتیجه حاکمیت این بخش از بورروازی بر حیات سیاسی - اقتصادی جامعه

است. بدین ترتیب بخش بزرگی از بورروازی ملی ایران که در ابتدای انقلاب از خمینی حمایت می کرد، منافع خود را در تضاد آشکار با سیاست های اعمال شده حاکمیت که عمدتاً از نمایندگان بورروازی بزرگ تجاری و بورروازی بوروکراتیک نوین تشکیل شده است، می بیند. واقعیت این است که نوسازی اقتصادی کشور بدون شرکت بخش تولید داخلی به هیچوجه امکان پذیر نیست و از این رو علی رغم ادعاهای حکومت جمهوری اسلامی کوچکترین قدم جدی برای راه انداختن صنایع کشور و نجات جامعه از بحران کنونی برداشته نشده است.

این روند بی شک تضادها و تنش ها را در جامعه افزایش خواهد داد. ورشکستگی بسیاری از کارگاههای تولیدی و پیوستن کارگران و کارمندان آن به خیل عظیم بیکاران کشور در عین حال نیز صف مخالفان رژیم را نیز هر روز گسترده تر می کند.

امیدهای واهی که قشرهای مختلفی در جامعه ما و خصوصاً سرمایه داری ملی پیرامون ماهیت و عملکرد رفسنجانی در ابتدای روی کار آمدن وی پیدا کرده بودند در برخورد با واقعیت سخت و دردناک اقتصادی - اجتماعی به کابوس وحشتناکی بدل شده است که آینده کشور ما را تیره و تار نموده است.

امتیازات گوناگونی که رفسنجانی و بوروکرات های دستگاههای دولتی در جریان برگزاری انتخابات مجلس چهارم به سرمایه داری بزرگ تجاری ایران عطا کرده اند بی شک دیر یا زود به تضعیف و در انتها به نابودی مواضع کلیدی خود این گروه منجر خواهد شد.

با حاکم شدن کامل بازار بورشورای نکهبان، مجلس شورای اسلامی و سایر ارگان های کلیدی کشور دوران دشوارتری برای صنایع ملی کشور آغاز گردیده است. این روند مخرب تا هنگامی که حاکمیت سیاسی کنونی باقی است یا شدت و یا حدت ادامه خواهد یافت. تنها راه برون رفت از بحران کنونی گسترش مبارزه و طرد رژیم "ولایت فقیه" است.

## سال تحصیلی نو، ...

تحصیلی خواهند کرد و در مراحل بعد در اثر کمبود کادر متخصص آموزشی یا مشکلات فراگیری علوم و فنون مواجه خواهند شد. در همین زمینه اشاره به اظهارات مدیرکل امور بررسی های وزارت فرهنگ و آموزش عالی کافی است که می گوید: "بسیاری از دانشگاههای خارج، پس از انقلاب مدارک دانشگاهی ایران را تایید نمی کنند". افت تحصیلی در کنار سرکوبی فعالیت های مستقل صنفی، فرهنگی و هنری در دانشگاهها و راه اندازی انجمن های نوخاسته ای به نام "امر به معروف و نهی از منکر" در سال جدید در مراکز آموزشی کشور، تعصبات مذهبی خشک در محیط های درس، جاسوسی عوامل

رژیم در قالب دانشجویان سهمیه ای نهادها و ارگان های مختلف و دخالت عناصری به نام حزب الله در صلاحیت های علمی و تخصصی مدیران، آشفتنکی آموزشی در دانشگاههای کشورمان را امسال نیز ادامه خواهد داد.

جمعیت عظیم دانش آموزی مشکلات مضاعف دیگری را متحمل خواهد گردید. در شرایطی که کودکان مقامات ریز و درشت اسلامی در مدارس به اصطلاح غیرانتفاعی مطابق با استانداردهای بین المللی در محیط آرام و با پرداخت هفتاد هزار تومان شهریه برای هر نیم سال تحصیلی در مدارس یک نوبتی خود با استفاده از غذاهای گرم و سرویس ایاب و ذهاب به تحصیل خواهند پرداخت میلیون ها تن در مدارس سه و یا چهار نوبته فقط ۱/۵ روز در هفته تحصیل خواهند نمود. نماینده مردم

شهریار (از توابع تهران) می گوید: "مدارس منطقه رباط کریم در سال تحصیلی جدید شش شیفته می شوند! ("کیهان" ۹ شهریور)". از سوی دیگر نباید فراموش کرد که جمعیت بزرگی از نونهالان واجب التعلیم به دلیل عدم برخورداری والدین از امکانات مالی مناسب، نخواهند توانست به تحصیل بپردازند. مجله "سروش" (۱۰ مرداد) در این زمینه می نویسد "در سال گذشته یک میلیون و هشتصد هزار تن از کودکان واجب التعلیم به مدارس راه نیافتند". روزنامه "کیهان" (۷ شهریور) می نویسد: "هدف برنامه پنجساله برای سال هفتاد جذب سه میلیون و پانصد و بیست هزار نفر دانش آموز در مقطع تحصیلی ابتدایی بوده است و آنچه که تحقق یافته است دوونیم میلیون نفر بوده ادامه در ص ۳

## اعدام زندانیان سیاسی ...

است. (۱۱ اکتبر ۱۹۹۲)

"هزاران زندانی، شامل تعداد زیادی زندانی سیاسی از تاسیس جمهوری اسلامی در سال ۱۹۷۹ تاکنون اعدام شده اند. بین ژوئیه ۱۹۸۸ تا ژانویه ۱۹۸۹، سازمان عفو بین الملل گزارشی در مورد اعدام حداقل ۲۵۰۰ زندانیان سیاسی دریافت کرد. اعدام ها در ابعاد وسیع همچنان در ایران ادامه دارد. در همین اواخر، در ژوئن ۱۹۹۲، حداقل چهار نفر به دنبال اعتراضات وسیع در مشهد اعدام گردیدند. از ژانویه ۱۹۸۹ به بعد، به دنبال دستور رئیس قوه قضائیه، تعداد اعدام ها خصوصا در مورد قاچاقچیان به شدت افزایش یافته است. سازمان عفو بین الملل همچنان گزارشی پیرامون اعدام اقلیت های مذهبی دریافت می دارد..."

گزارش سازمان عفو بین الملل پیرامون کشتار جمعی زندانیان سیاسی در سال ۱۹۸۸ می نویسد:

"قبل از اینکه اعدام ها انجام پذیرد، زندانیان برای چند دقیقه توسط یک کمیسیون متشکل از عده ای از روحانیون، پیرامون اعتقاداتشان، فعالیت های گذشته و نظراتشان پیرامون جمهوری اسلامی بازجویی شدند. به بسیاری از زندانیان این تصور القا شده بود که این سوالات جهت بررسی برای عفو عمومی می باشد. کمیسیون بازپرسی که بعدها به "کمیسیون مرگ" مشهور گردید بر اساس فتوای خمینی، که اجازه داده بود هر زندانی که وظایف دینی خود را انجام نمی دهد اعدام کنند، بسیاری از زندانیان را به اعدام محکوم کرد. اکثر اعدام شدگان هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران بودند ولی گروه های مختلف فدائیان، اتحادیه کمونیست ها، کومله، حزب دمکرات کردستان، پیکار، راه کارگر و حزب توده به چشم می

خوردند ...

بر اساس گزارشات که توسط زندانیان سیاسی به سازمان عفو بین الملل رسیده است در آن دوران بین ۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ زندانی سیاسی شامل ۲۰۰۰ زندانی سیاسی در تهران، اعدام گردیدند ...

مقامات ایرانی هیچگاه کشتارهای جمعی سال ۱۹۸۸ را اعلام نکرده اند و تاکنون هیچگونه اقدامی جهت جلوگیری از چنین کشتاری در آینده صورت نکرده است. تعداد زیادی از خانواده های زندانیان سیاسی هنوز نمی دانند که آیا کسانی از خانواده آنها که مفقود اعلام شده اند جزو اعدام شدگان هستند یا نه؟ ...

اخبار و عکس های تکان دهنده ای از ایران به خارج از کشور انتقال یافته بود که در آنها بدن های زندانیان اعدام شده در گورهای جمعی کم عمق دیده می شدند. سازمان عفو بین الملل، جمهوری اسلامی را مسئول این کشتار جمعی می داند. سازمان عفو بین الملل از جمهوری اسلامی خواسته است تا اسامی، محل

دفن و سایر اطلاعات پیرامون قربانیان این واقعه را اعلام کند ...

اعدام زندانیان سیاسی در ایران همچنان ادامه یافته است. در میان کسانی که در سال ۱۹۹۱ اعدام گردیده اند، حداقل ۶۰ نفر به خاطر فعالیت های سیاسی اعدام شده اند. در میان اعدام شدگان، اعضا و هواداران حزب دمکرات کردستان و اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق و تعداد ۲۰ نفر از یک قبیله بلوچ به چشم می خوردند ...

در ۱۰ ژوئن سال ۱۹۹۲ حداقل چهار نفر در مشهد اعدام گردیدند ... قبل از اعدام های مشهد محمدیزدی، رئیس قوه قضائیه اعلام کرده بود که: "با شورشیان یا قاطعیت و سرعت عمل برخورد خواهد شد ... در ۱۱ ژوئن خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام کرد که چهار نفر در شیراز اعدام شده اند و پنج نفر دیگر نیز به اعدام محکوم گردیده اند ...

پيروان مذهب بهایی نیز همچنان تحت پیگرد و سرکوب قرار دارند. بهمن سمندری، تاجر معروف از یکی از خانواده های مهم بهایی در ایران، بطور مخفیانه در ۱۸ ماه مه ۱۹۹۲ در زندان اوین اعدام گردید ...

تا هنگامی که اعدام زندانیان، شامل زندانیان سیاسی ادامه دارد، سازمان عفو بین الملل به تلاش های خود در انتشار این اخبار و سایر موارد سرکوب حقوق بشر در ایران ادامه خواهد داد. سازمان عفو بین الملل نگران آن است که این روند تا هنگامی که جامعه بین المللی با فشار بر دولت ایران نگرانی خود را از این وضع اعلام نکرده است و خواهان قطع اعدام ها و بهبود وضعیت حقوق بشر نشده است، همچنان ادامه یابد.



## سال تحصیلی نو، ...

است". و اگر اظهارات مدیرکل نوسازی توسعه و تجهیز مدارس را ملاک قرار دهیم که درصد رشد جمعیت دانش آموزی در کشور هشت درصد و در استان تهران سی و چهار درصد می باشد به جامعه بزرگ شمار محرومین از تحصیل بیشتر پی خواهیم بود. نامبرده خاطرنشان می سازد که در استان تهران مدرسی ثبت نام کرده اند که ساختمان آن هنوز نیمه کاره است و وزارت آموزش و پرورش اعلام داشته است که امسال فقط شصت درصد از نیاز دانش آموزان را به کلاس و فضای جدید آموزشی تامین کرده است. طبق اظهارات وزارت مربوطه امسال به ده هزار کلاس جدید نیاز بود که شش هزار کلاس بیشتر آماده نگردیده است ("کیهان" ۳ تیر) لازم است خاطرنشان سازیم وزیر آموزش و پرورش می گوید با توجه به رشد جمعیت دانش آموزی هرسال باید بیست هزار کلاس ساخته شود تا در ده سال آینده فضای آموزشی هماهنگ

با رشد کنونی جمعیت دانش آموزی باشد. البته نباید فراموش کرد که با ادامه سیاست "تحصیل طبقاتی" در سال های آینده شاهد محرومیت های باز هم بیشتر کودکان از تحصیل خواهیم بود. کارمندی در این زمینه می گوید: "در شهرک غرب به مدرسه ای رقوم که ۱۲۰ هزار تومان (کیهان" ۵ شهریور) که برای ادامه تحصیل سه کودک خود می بایست مبلغی حدود ۵۰۰ هزار تومان در سال بپردازند که بدون شک هیچ کارمندی در جمهوری اسلامی چنین درآمدی را در سال صاحب نمی باشد!

بی کفایتی سران رژیم در تامین امکانات تحصیلی، امسال نیز سال تحصیلی میلیونها تن از کودکان ما را به اندوه تبدیل خواهد ساخت. رژیم مسئله عظیم آموزش و پرورش را هنوز از دید مکتب خانه ای نگاه می کند و آن را با حجره های آموزش دینی مخلوط می سازد. نه نهادهای گوناگون رژیم اسلامی که سرمایه ثبتي آنان به میلیاردها تومان می رسد

علاقتمند هستند که در این زمینه سرمایه گذاری نمایند و نه مسئولین رژیم برنامه ای برای این کار تدارک دیده اند. بدون تردید با سرمایه های کلانی که در این مدت صرف ساختن مدارس علمیه و مساجد گردیده است و با میلیونها دلاری که در خارج از ایران برای آدم ربایی و ترور هزینه می شود، می شد مشکلات آموزشی کودکان را به حداقل رساند. اما سران جمهوری اسلامی نفع خود را در آن نمی بینند و همه چیز را فدای جاه طلبی های فردی خود می سازند. رویدادهای اخیر در کشور ما نشان داده است که مردم دیگر حاضر نیستند وضع موجود را تحمل کنند و امسال نیز با توجه به عمیق شدن روند اختلافات، دانشگاهها و مدارس نیز به یکی از مراکز مهم مبارزه علیه سیاست های ناپردانه مسئولین رژیم تبدیل خواهد گردید و در آینده ای نه چندان دور و بعد از طرد "ولایت فقیه"، تمام کودکان، نوجوانان و جوانان میهن ما روز آغازین سال تحصیلی را به عیدی بزرگ مبدل خواهند ساخت و امکان شرکت در این جشن فرهنگی را برای عموم فراهم خواهند ساخت.

## جلوه های "عظوفت" ...

رئیس زندانهای کشور جواب می دهد "همانگونه که گفته شد اینها صعب العلاج هستند. ما تقریباً در همه زندانهای مراکز درمانی لازم را داریم روزی نیست که در زندان چند عمل جراحی نداشته باشیم. در مورد بیماران صعب العلاج مسئله به این شکل است که در داخل زندان امکان درمان برای اینها وجود ندارد، در بیرون نیز یا امکان نیست و یا بسیار سخت است. برای دادن مرخصی استعلاجی به این قبیل زندانیان ما در درجه اول وضعیت پرورنده آنها نقش دارد. اگر احساس شود که زندانی برآستی متنبه شده و توبه کرده است و مسئولین زندان از او رضایت دارند بنا بر درخواست ما به مرخصی استعلاجی می رود، بعضی از اینها دیگر به زندان بازمی گردند."

می گویند: عاقل را اشاره ای کافیست. اما چه می شود کرد به این بیانات پر از عظوفت نمی توان دقت نکرد و به سادگی از کنار آنها گذشت. اولاً مشخص نیست که صحبت از کدام زندانی در میان است. آیا شخص سوم به دلایل سیاسی بازداشت و زندانی گردیده یا نه زندانی عادی است. اما از آنجا که لاجوردی تجربه زیادی در کشتار زندانیان سیاسی دارد، می شود اینطور نتیجه گرفت که بیشتر زندانی سیاسی مورد نظر است. در این صورت قبل از هر چیزی باید گفته شود که بسیاری از زندانیان قبل از اینکه از مزیت های "عظوفت های اسلامی" افرادی چون لاجوردی برخوردار شوند و شلاق های پر "عظوفت"، خون را در کلیه های آنان لخته سازد و سبب از کار افتادن کلیه هایشان شود و یا پس از مدتها زیر چشم بند ماندن بیثباتی خود را از دست داده و یا در آستانه کوری قرار گرفته باشند و یا تحت تاثیر شکنجه های "مهربانانه" سیستم عصبی شان در هم بریزد و به انواع بیماریهای روحی و فلج شدن قسمتی از بدنشان مواجه شوند و یا پراثر سوء تغذیه و اقامت اجباری در سلول های تنگ و تاریک و بد هوا، بافتهای بدنشان به تدریج بپوسند، افرادی سالم و تندرست بودند و احتیاجی به درمان ویژه نداشتند. راز تبدیل شدن این افراد هوشمند و وطن پرست و از نظر تندرستی نسبتاً سالم به

بیماران صعب العلاج، نهفته در همان "تعزیرهای شرعی" است که لاجوردی و یارانش در حق این زندانیان بکار گرفته اند، لاجوردی دانسته به این واقعیت اشاره می کند، دستکاهی که او بدان خدمت می کند حتی از جسد نیم جان این افراد نیز هراستناک است. جلد می گوید: "مرخصی استعلاجی این افراد در درجه اول به وضعیت آنها بستگی دارد و باید ثابت شود که زندانی توبه کرده است". آیا عملی ضد اخلاقی تر و ضد انسانی تر از این وجود دارد که انسانی رو به مرگ و دریند را که لحظات آخرین حیات خود را می گذرانند گرو گرفته شود و معالجه و تسکین دردش مشروط بر این باشد که از اعتقادات و باورهای خود دست بردارد، توبه کند و دل افرادی چون لاجوردی را بدست آورد، و اگر چنین نکرد در سخت ترین شرایط میبرد؟

لاجوردی با اقتخار می گوید "بعضی از اینها دیگر به زندان باز نمی گردند". ریاکارانه تر از این نمی شود برخورد کرد. رئیس زندانهای کشور چرا این حقیقت را کتمان می کند که برای سبک تر کردن بار جنایت تنها آن عده از زندانیانی که یقین حاصل شده است خارج کردن آنها از زندان با مردنشان یکسان خواهد بود به مرخصی "استعلاجی" فرستاده می شوند. لاجوردی خوب می داند که در زندانهای تحت سرپرستی او و بویژه آن روزهایی که لاجوردی در اوین جاجوش کرده بود در حق دختران و پسران نوجوان، مردان و زنان سالمند چه نکرده اند. او حتماً با زندانیانی چون هما نصر زنجانی و دکتر جودت آشنایی داشته و می داند که اولی دختر بچه جوانی بود که پس از مدتها "خونریزی" در زندان جان سپرد و آن دیگری علی رغم داشتن آسم، بیماری قند و... در سن هفتاد سالگی تیرباران شد. آخر مکر فراموش می شود که در این زندانها و بدستور افرادی چون لاجوردیها خون زندانیان قبل از اجرای حکم اعدام کشیده می شد و یا بخاطر آنکه در "بهشت" جای لاجوردیها تنگ نبود، به دختران بکره قبل از اعدام تجاوز می شد. چرا آقای لاجوردی نمی گوید که در یک کشور اسلامی که بقول رهبرانش دمکرات ترین کشور دنیاست اساساً باید این همه زندان، زندانی، شلاق و شکنجه وجود داشته باشد که

ناچار شوند روزی چند عمل جراحی در زندان انجام دهند، قضیه به اینجا ختم نمی شود، از رئیس نام آور زندانهای کشور پرسیده می شود "حاج آقا ضوابط ملاقات و مرخصی دادن به زندانیها چگونه است؟" لاجوردی می گوید: "ما موظف هستیم هفته ای یکبار به زندانی ملاقات بدهیم تا از پشت تلفن و یا پشت تورها با خانواده خود ملاقات کند اما وقتی زندانی به تنهایی و یا بصورت دسته جمعی مشغول فعالیت در زندان می شود این امکانات از او سلب می شود، در مورد مرخصی هم قبل از همه توبه کردن و وضعیت زندانی معیار است، اگر احساس شود که زندانی برآستی هم توبه کرده و مسئولین زندان از او رضایت داشته باشند از ۸ ساعت تا ۳ ماه به مرخصی می رود. حتی در بعضی از زندانها خانه هایی ساخته شده که خانواده ها در آنجا به مدت یک هفته مهمان زندانی می شوند و با همسران خود بیتوته می کنند."

باز هم لاجوردی دانسته به این حقیقت چشم می بندد که بسیاری از زندانیان نه یک هفته بلکه ماهها زیر چشم بند و یا با بدن آش و لاش در سلولهای تاریک و نمور نگهداری می شوند و حتی نور آفتاب و هوای تازه نیز از آنها دریغ می گردد و خانواده های آنان مثل توپ فوتبال از این زندان به آن زندان پاس داده می شوند. در مسلک لاجوردیها منطق این است که زندانی باید به نفی شخصیت خود بپردازد، از باور و اعتقادات خود دست بردارد، توبه کند و به آلت دست تبدیل شود تا بتواند از مزایای "عظوفت های اسلامی" برخوردار شود.

آنچه از این پرسش و پاسخ آورده شد و در رابطه با آن به گوشه ای از عملکرد افرادی چون لاجوردی اشاره شد قسمت کوچکی از نقض قوانین حقوق بشر و سرکوب خشن حریت و آزادی در کشور ماست در این مورد بارها ارگانهای ذیصلاح منجمله کمیسیون ویژه سازمان ملل متحد سخن گفته است. در پایان این را می توان گفت که اگر نصیریها، تهرانیها، شعبانیها جان سالم بدر بردند و نام نیک بیادگار گذاشتند. لاجوردیها، ماشا الله قصابها نیز بدان نایل خواهند شد.

به نقل از:

ضمیمه آذربایجان- شماره ۲۹۰۷

## اطلاعیه کمیسیون تشکیلات خارج از کشور

حزب توده ایران در خارج از کشور را منتشر کرده اند. ما به همه اعضا و هواداران و دوستان حزب اعلام می کنیم تا آنجا که به حزب توده ایران مربوط می شود این نشریه کوچک ترین ارتباطی با ارگانها و یاهیبیجک از سازمان های حزبی در خارج از کشور ندارد. به نظر ما هرکس یا کسانی مختار هستند در هرکجا که هستند هرگونه نشریه ای را برای هر هدفی که به آن اعتقاد دارند، منتشر کنند ولی استفاده از نام و نشان ارگان های یک سازمان و یا حزب سیاسی، آن هم بدون اطلاع و اجازه آن سازمان و یا حزب عملی است نادرست، غیراخلاقی و غیراصولی.

اعضا، هواداران و دوستان حزب مطمئنند که پس از یورش جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی و تعطیل نشریات و ارگان های حزبی، راه توده که به مثابه ارگان اعضا و هواداران حزب در خارج از کشور به چاپ می رسید برای دوران کوتاهی وظایف دشوار ارگان های حزبی را عهده دار شد. این وظیفه با برگزاری پلنوم هیجدهم، بازسازی ارگان های قانونی حزب و انتشار مجدد "نامه مردم" به پایان رسید. تهیه کنندگان این نشریه همان طوری که از سطور بالا روشن است، تلاش کرده اند تا این نظر را القا کنند که دومین دوره نشریه "راه توده" ارگان

اخیراً نشریه ای به نام "راه توده" به دست ما رسیده است. در سرمقاله این نشریه می خوانیم: "یکصدمین و آخرین شماره "راه توده" دوره اول در مقاله ای تحت عنوان "شیخوارج" با خوشحالی خبر انتشار مجدد "نامه مردم"، ارگان مرکزی حزب توده ایران را چاپ کرد و به حیات مطبوعاتی خود پایان بخشید. اکنون در فضایی متفاوت با سال های نخست یورش... "راه توده" جای خود را در جمع مطبوعات فارسی زبان خالی می بیند و برآن است که با وظیفه ای نوین دوره دوم فعالیت خود را آغاز کند..."

های آکادمیک بوده است. عناصر وفادار به جبهه ملی اسلامی به جای روسای انتخابی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی گمارده شده اند و روند اخراج و تصفیه کارمندان دانشگاهها هیچگاه قطع نشده است. دانشگاه خارطوم بر اثر استمرار سیاست های سرکوبگرانه رژیم، بیشتر اوقات تعطیل بوده است. استادان صاحب نام از آن بیم دارند که

نیروهای سیاسی و اتحادیه های کارگری به منظور حل معضلات سودان خاتمه دادند، فعالیت احزاب سیاسی و آزادی بیان را ممنوع اعلام کردند. در حالی که کشور به دلیل وقوع جنگ داخلی و بروز قحطی پاره پاره و دچار بحران شده است سانسور مطبوعات امکان نمی دهد که مردم سودان و جهانیان دربار این کشور آگاهی یابند. رژیم از

یکی از ویژگی های بارز سیاست خارجی رژیم جمهوری اسلامی در دوران بیش از سیزده سال حیات فاجعه بارش استمرار سیاست ماجراجویانه صدور بنیادگرایی اسلامی به کشورهای آسیا و آفریقا بوده است. اعمال سیاست های مداخله گرانه رژیم در لبنان، افغانستان، الجزایر، عراق، کویت و حتی هندوستان و پاکستان که به شکل حمایت از نیروهای وابستگرا و گاهی تروریست نمود داشته است، نتیجه ای جز تشدید تضادهای اجتماعی و نیز تدارک موجبات دخالت نیروهای امپریالیستی در این مناطق نداشته است. حقیقت این است که خمینی و جانشینانش هیچ گاه پنهان نکرده اند که به باور ایشان دوام زیست و رشد جنبش بنیادگرایانه اسلامی آنان با گسترش جغرافیایی و عدم تحدید آن به مرزهای تنها یک کشور ویژه بستگی ندارد. اندیشه "امت اسلامی" که گویا به امامت و رهبری "ولی فقیه" طرح های اسلامی را در امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تسری و تحقق خواهد بخشید، از پایه های اصلی باور مستولان طراز اول رژیم جمهوری اسلامی بوده است. سران جمهوری اسلامی به یاری سرمایه گذاری در زمینه قمر، قحطی و اختلالات قومی و نژادی در کشورهای خاورمیانه و آفریقا و صرف دلراهی نفتی که از گلولی محتاج ترین قشرهای جامعه ایران گرفته می شود و به مدد مداخلات تحمیلی متعصبان مسلح شان که در کسوت واحدهای سپاه پاسداران به این مناطق گسیل می شوند به ترویج اندیشه های خمینی دربار حکومت اسلامی کوشیده اند.

پس از مرگ خمینی علی رغم تبلیغات پرسروصدایی که دربار دگرگونی های اساسی و فکری رژیم به راه افتاده، این ویژگی سیاست آن کماکان دوام یافته است. موضع گیری رژیم جمهوری اسلامی دربار مسئله فلسطین و کنفرانس مادرید و دخالت غیرمستولانه ای که در سالیان اخیر در افغانستان و نیز جمهوری های آسیای اتحاد جماهیر شوروی پیشین - به گواهی آنچه رفسنجانی خود در جریان ششمین گردهمایی کشورهای عضو کنفرانس اسلامی در داکا در دسامبر ۱۹۹۱ تصریح و اعلام کرد که ایران "هماهنگ کننده" دنیای اسلام است - و ارسال اسلحه و اعزام نیروی مسلح برای مداخله در درگیری های بوسنی هرزه گوین، همه از جمله شواهد بی شمار ادامه چنین سیاستی هستند. جنگ آمریکا و متحدانش با عراق در جریان اشغال کویت، عملا به نوعی تحکیم موقعیت ایران در منطقه خلیج فارس انجامیده است. رهبران مذهبی جمهوری اسلامی مدعی هستند که اسلام تنها وسیله موجود برای ایجاد اتحاد میان اعراب و تحکیم پایه های ابرقدرت اسلامی شان است. در سال های اخیر خطر گسترش جنبش بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه و آفریقا واقعی تر شده است و این پدیده در شرایط حساس کنونی جهان و اعلام استقرار "نظم نوین جهانی" از سوی بوش می تواند بیش از پیش صلح جهانی را در معرض تهدید قرار دهد.

مسئله دخالت رژیم جمهوری اسلامی در سودان هم به دلیل شباهت های بسیار روند تحولات این کشور با آنچه پیش تر در ایران وقوع یافته و نیز به سبب موقعیت سوق الجیشی مهم سودان در آفریقا همدار همدند و مهم است.

اکنون سه سال از کودتای نظامی گروهی از افسران جوان که به نمایندگی از سوی بنیادگرایان جبهه ملی اسلامی قدرت را در سودان به دست گرفته اند، می گذرد. کودتاگران ضمن کاربرد سیاست های سرکوبگرانه که شباهت تام با رخدادهای سال های ۶۰ تا ۶۳ ایران داشت به فرایند گفت و گوی

## سودان و استمرار سیاست صدور انقلاب اسلامی

دانشگاه عملا سقوط کند. منتقدان رژیم به درستی بر این باورند که در سیاست گزاران جدید، تعصب جایگزین تخصص شده است. تغییر اجباری تدریس زبان عربی به جای انگلیسی در همه دانشگاهها با آنکه منابع و کتاب های درسی لازم به زبان عربی وجود ندارد به هرج و مرج تمام عیار و بحران دامنه دار در آموزش عالی انجامیده است. کتاب های بسیاری بدین عنوان که "از لحاظ سیاسی ناصحیح" یا ناسازگار با اصول جزم گرای مذهبی هستند از کتابخانه های دانشگاهها جمع آوری شده و برخی به موجب شایعاتی سوزانده شده اند.

افزایش ناگهانی شمار دانشجویان و عدم تطابق منابع مادی - انسانی و آکادمیک با این افزایش عملا به سقوط سطح تحصیل انجامیده است. گفته می شود که در شش دانشگاه منطقه ای، تحصیلات عالی عملا به "تقریب روی کاغذ" تنزل یافته است و خبری از آزمایشگاه و کارگاههای علمی نیست. همه استادان و دانشجویان مجبورند دوره های تعلیمات شبه نظامی و نیز آموزش مذهبی - سیاسی را که به وسیله "میلیشای دفاع مردمی" اداره می شود، بگذرانند. داوطلبان تحصیل از مناطق جنوبی که بسیاری غیرمسلمان هستند، اعلام می کنند که به خاطر نژاد، زبان و مذهب شان دچار تبعیض هستند. مثلاً با آنکه همه تحصیل ماقبل دانشگاهی آنان به زبان انگلیسی بوده است اکنون برای ورود به دانشگاه باید در "کنکور زبان عربی" قبول شوند. در دانشگاه "جوتا" در جنوب سودان هم اکنون بیش از ۸۰ درصد از دانشجویان از شمال سودان هستند. حتی مسلمانانی که با رژیم مخالف هستند اعتماد دارند که مخالفت سیاسی اکنون کفر و ارتداد بشمار می آید که کیفر آن مرگ است.

به دیگر سخن رهبران جمهوری اسلامی بدین سان کالای خونین مرگ، اختناق، سانسور و تبعیض را به سودان به ارمغان برده اند. نیروهای ترقیخواه ایران در رویارویی با چنین فجایی نه تنها سیاست های دژخیم منشانه و ضد مردمی رژیم را در درون محکوم می کنند، بلکه در موضع حمایت وهمبستگی فعال با زحمتکشان و ترقیخواهان سودان که اینک شمره تلخ بنیادگرایی اسلامی را تجربه می کنند، پای می فشارند.

در اینجا این ضرورت فراموش ناشدنی به عنوان استنتاج درخور توجه و تذکر است که افشای چنایات گوناگون رژیم در همه عرصه ها از مهمترین وظایف نیروهای اپوزیسیون است که به فرمان مسئولیت مردمی خویش باید بیش از پیش در انجام آن پای فشارند.

لحاظ اقتصادی ورشکسته است، آرد و نان نایاب است، برخی اوقات حتی آب برای آشامیدن پیدا نمی شود.

جمهوری اسلامی با اعزام هزار تن از کادرهای آموزش دیده سپاه پاسداران و نیز تجهیزات فراوان و کمک مالی عملا در تفرش و حمله نیروهای رژیم اسلامی سودان به "ارتش آزادیبخش مردم سودان" که در جنوب کشور پایگاه وسیع مردمی دارد شرکت جسته است. خبرهای بسیاری درباره پایگاههای زیر نظارت سپاه پاسداران در سودان، در مطبوعات آفریقا چاپ شده است. بیش از ۱۷۰ تن از سپاهیان پاسدار ایرانی در عملیات علیه چریک های "ارتش آزادیبخش مردم سودان" کشته شده اند. وحشتناک تر از همه مشارکت عمده ای است که بازجویان رژیم اسلامی ایران در تعلیم پلیس مخفی و سازماندهی سیستم امنیتی و اطلاعاتی سودان داشته اند.

لیکن تصویری اشتباه آمیز خواهد بود اگر دامنه همکاری های سودان و ایران را تنها به همکاری های نظامی و اطلاعاتی محدود بدانیم. رویدادهای چند ماه اخیر نمایانگر شدت و گسترش کوشش در جهت یک انقلاب فرهنگی ارتجاعی از نوعی است که به سال ۵۹ در ایران دوران جمهوری اسلامی انجام گرفت. اخبار متعددی دال بر تصفیه چهره های برجسته آکادمیک سودان منتشر شده است. رژیم اسلامی نظامی همه کسانی را که صد درصد با اندیشه و روش افراطی او توافق ندارند از مقام های اداری موسسات عمومی برکنار می کند. ۱۰ تن از آخرین مشمولان این تصفیه شخصیت های برجسته علمی و آکادمیک دانشگاه خارطوم، از جمله "سمیرقوبریال"، مهندس برق، "علی عثمان محمدصالح"، باستان شناس معروف و "فدو عبدالرحمن علی طه"، اقتصاددان بوده اند. کارکنان عالیترتبه در برابر ورود و تهاجم نیروهای امنیتی به محوطه دانشگاه و نیز اقدامات رژیم از لحاظ تحمیل شیوه اداره موسسات علمی به اعتراض برخاسته اند.

در ماه آوریل، اخراج "محمدالامین التوم"، ریاضی دان برجسته موجب شد که دانشجویان، امتحانات نهایی و ترم آخر را به نشانی پشتیبانی از وی تحریم کنند. در تصفیه های مشابه در دستگاه قضایی و نیز سیستم اداری کشور، "لیبرال"ها و زنان هدف اصلی بوده اند. هم زمان با تصفیه نام مشمولان آن در فهرست سپاه گنجانده می شود که از آثار تبیی آن باید محرومیت های ذهنی و اجتماعی و نیز محدودیت سفر را برشمرد. اعمال قوانین جدید آموزش عالی از سوی ژنرال عمرشیر، دیکتاتور نظامی، از هنگامی که وی در ۳۰ ژوئن ۱۹۸۹ قدرت را قبضه کرد به معنی تهاجم و اعمال فشار علیه آزادی

## گزارشی از اعتصابات، اعتراضات و برخوردهای اخیر در ایران

روزی نیست که در گوشه و کنار کشور، مردم جان به لب رسیده از استبداد و اختناق، اعتراض خود را به گونه ای منعکس نکنند. در ماههای اخیر، خصوصا پس از برگزاری انتخابات چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی و تشدید جو فشار و خفقان، قیام ها، شورش ها و برخوردهای مردم با ارگان های سرکوبگر رژیم افزایش یافته است. سرکوب، دستگیری ها و ارسال گروههای مسلح به خیابان ها تحت عنوان "مبارزه با تهاجم فرهنگی" برای ارباب مردم، نه تنها آتش این اعتراضات را خاموش نکرده است، بلکه با تشدید بحران اجتماعی - اقتصادی و فشار شدید کمبودها، فقر و ناامنی اجتماعی، هر روز گروه بیشتری از مردم کشورمان را به سمت مبارزه با جمهوری اسلامی می راند.

ضعف عمده چنین برخوردهایی، عدم سازمان یافتگی و موضعی بودن آنهاست. این ضعف به رژیم اجازه می دهد که با فراغ بال این اعتراضات را در محل های مختلف به راحتی سرکوب نموده و از کشیده شدن آن به سایر مناطق جلوگیری کند.

عدم هماهنگی و مبارزه مشترک نیروهای

مترقی نیز ضعف دیگری است که جنبش خودجوش توده ها از آن رنج می برد. رژیم جمهوری اسلامی با اتکا به اختلافات و پراکندگی نیروها تاکنون توانسته است به حیات خود ادامه دهد. ولی همچنان که ما بارها در گذشته به آن اشاره کردیم شواهد و خصوصا رویدادهای ماههای اخیر حکایت از آغاز دوران نویتی در کشور ما دارد که مهمترین مشخصه این روند رودرویی مستقیم تر توده های وسیع مردم با رژیم غیردمکراتیک و قرون وسطایی جمهوری اسلامی است. پایگاه اجتماعی رژیم جمهوری اسلامی هر روز بیشتر محدود می گردد و کسانی که تا دیروز ستون فقرات انقلاب را تشکیل می دادند، اکنون در مقابل رژیمی که به آرمان های انقلاب خیانت کرده است قرار می گیرند. این روند بی شک دیر یا زود موجب انفجارهای بزرگ تر و رخدادهای

### اعتصاب در ذوب آهن اصفهان

روز یکشنبه ۱۵ شهریور بیش از ۲۰ هزار نفر از کارکنان ذوب آهن اصفهان به علت عدم افزایش حقوق که قرار بود از سال جاری پرداخت شود، دست به اعتصاب زدند. خواست کارمندان و کارگران اعتصابی، افزایش دستمزدها به میزان ۴۰ درصد و پرداخت ۷ هزار تومان حق مسکن بود. این دومین اعتصاب کارکنان ذوب آهن در عرض دو ماه گذشته بوده است. براساس گزارشات رسیده اعتصاب کارگران و کارمندان با مسافرت مدیرعامل ذوب آهن (صادقی) به تهران آغاز شده و کارکنان پس از تعیین یک مهلت دوهفته ای برای رسیدگی به خواست هایشان به اعتصاب خود خاتمه دادند. به دنبال شروع این اعتصاب، صادقی روز دوشنبه ۱۶ شهریور از تهران به اصفهان بازگشت تا با اعتصاب کنندگان مذاکره کند. لازم به تذکر است که اعتصاب قبلی کارگران و کارمندان ذوب آهن در دو ماه قبل مصادف با سفر مدیرعامل شرکت به ژاپن سازماندهی شده بود.

### برخوردهای اعتراضی در تهران

- اواخر مردادماه مردم محله یافت آباد به تظاهرات گسترده ای علیه رژیم دست زدند. علت تظاهرات مزاحمت های مداوم گروههای "نهی از منکر" و بازجویی و دستگیری در خیابانها بود. با گسترش تظاهرات، نیروهای انتظامی به مردم یورش برده و گروه زیادی را دستگیر کردند.

- تظاهرات مشابهی در تجریش به وقوع پیوست که به شدت از جانب نیروهای انتظامی سرکوب گردید. این تظاهرات در هفته آخر

### شهریور ماه صورت گرفت.

- ۲۵۰ نفر از خانواده های شهرک اکباتان در اعتراض به فروش مدرسه محل به دانشگاه آزاد، در روبروی این محل تجمع کردند و به سیاست های دولت اعتراض نمودند. نیروهای انتظامی با لباس های ضدشورش به این تجمع حمله کرده عده ای را دستگیر و این تجمع را درهم شکستند.

- روز ۲۳ شهریورماه گروهی مسلح و موتورسوار در خیابان "جوامردنصاب" با مواد آتش زا به اتوبوس شرکت واحد حمله کرده و آن را به آتش کشیدند. حمله کنندگان پس از آتش زدن و وارد آوردن خسارات زیاد محل حادثه را ترک گفتند.

### اعتراضات مردم سمنان

#### و ارومیه

با تعطیل کودکانستان های زیادی در سمنان و ارومیه جمع وسیعی از مردم در اعتراض به این سیاست ها در محل اداره های آموزش و پرورش سمنان و ارومیه اجتماع کردند و علیه این سیاست جدید رژیم در راستای بازکردن

مهدکودک ها و کودکانستان های غیرانتفاعی با شهریه بسیار بالا که برای اکثریت مردم این نقاط غیرقابل پرداخت است، اعتراض کردند. صدای اعتراضات مردم آنچنان بالا گرفت که کار به برنامه رادیویی "سلام صبح بخیر" صدای ارومیه نیز انتقال یافت. طی چند هفته گذشته مردم شهرهای این دو استان در مقاطع مختلف دست به اعتراضات وسیع علیه این سیاست های جدید و ضد آموزشی جمهوری اسلامی زده اند.

### تظاهرات در کرمانشاه

در اوایل شهریورماه سال جاری اهالی محله جعفرآباد کرمانشاه به دنبال دخالت نیروهای انتظامی در نزاع های شخصی و کشته شدن یک جوان به دست آنها به تظاهرات گسترده ای علیه رژیم دست زدند که به شکل وحشیانه ای از جانب رژیم سرکوب گردید.

براساس گزارشاتی بدنبال یورش نیروهای انتظامی حدود ۴۰۰ نفر از اهالی محله و محله های مجاور دستگیر و روانه شکنجه گاهها گردیدند. این محله تا مدتی در اشغال نظامی پاسداران بود.

## تصحیح و پوزش

در شماره ۳۸۵ "نامه مردم"، صفحه دوم، ستون سوم، پاراگراف سوم، خط چهارم بعد از کلمه "ارجاع" جمله "... قهرمانانه بر سر عهد و آرمانشان ایستادگی نشان دادند، ..." به هنگام صفحه بندی از قلم افتاده که بدینوسیله ضمن پوزش تصحیح می گردد.

## اتحاد و تسبیح

در شهر گردنشین صلاح الدین برگزار گردید که در مورد حکومت آینده عراق تصمیم گیری نماید.

نمایندگان سازمان های سیاسی ایزدیسون منجمله سوسیالیست ها، کمونیست ها، بیثی های طرفدار سوریه، مسلمانان مجلس اعلاى انقلاب اسلامی، نیروهای مورد حمایت عربستان سعودی و نیز شخصیت های منفرد از جمله برخی از ژنرال های سابق ارتش عراق به اضافه هیئت های نمایندگی خلق های کرد، ترکمن و آسوری در این گردهمایی با اهمیت شرکت کردند. این جلسه به لحاظ تعداد سازمان های شرکت کننده وضعیت نیروهای سیاسی حاضر، از کنفرانس قبلی که در ماه خرداد دروین برگزار گردید موفق تر بود. حزب کمونیست عراق که نقش برجسته ای در جنبش ترقیخواهانه در مبارزه علیه رژیم بیثی داشته و دارد در یک مقاله مفصل در ارگان خود "طریق الشعب" ضمن انتقاد از ضعف های نشست وین وظایف و مشخصات یک گردهمایی مورد قبول خود را در پنج بند مطرح نمود. روح کلی نظرات حزب کمونیست عراق به قرار زیر است:

\* کنفرانس نیروهای ایزدیسون باید در جهت عملی کردن تمامی مصوبات سیاسی و سازمانی کنفرانس اول که در بیروت تشکیل گردید، حرکت نماید. مرکز اصلی توجه کنفرانس باید در جهت انتقال مرکز عمل و رهبری ایزدیسون در داخل کشور و در کنار مردم عراق باشد.

\* نمایندگان همه سازمان ها و نیروهایی که در مبارزه علیه رژیم بیثی شرکت دارند در کنفرانس شرکت نمایند. این امر شامل نیروهایی که بعد از جریان اشغال کویت به مخالفت با رژیم برخاسته اند نمی شود.

\* تأکید بر احترام به اراده و خواست مردم عراق در تعیین راه و برنامه آینده کشور و اینکه سازمان های سیاسی باید حق داشته باشند که هویت مستقل و تحلیل ویژه خود را حفظ نمایند.

\* توجه به تنوع ملی، طبقاتی و سیاسی ایزدیسون و مردود دانستن سکتاریسم و به ویژه جلوگیری از عمده شدن تفاوت های ایدئولوژیک و یا تحمیل ایدئولوژیک. حل مسئله خلق کرد باید از عمده ترین وظایف ایزدیسون باشد.

\* در تعیین اولویت های برنامه ای ایزدیسون متحد، شمارها و اسلوب باید در درجه اول در چارچوب جامه عمل پوشاندن به منافع مردم عراق و توجه به خواست های آنان باشد. در این روند البته نظرگاههای جهان مترقی و به ویژه جهان عرب مورد توجه خواهد بود.

جلسات کنفرانس نیروهای ایزدیسون به طور مشترک توسط مسعود بارزانی، رهبر حزب دمکرات کردستان عراق و نیز جلال طالبانی، رهبر جبهه میهنی کردستان اداره گردید. صفین دیزایی، سخنگوی حزب دمکرات کردستان در ارتباطی کنفرانس موضوعات مورد بحث را به شرح زیر اعلام نمود:

- تصویب قطعنامه هایی که توسط "کنگره ملی عراق"، یک ائتلاف نه چندان بزرگ نیروهای سیاسی ایزدیسون در وین که در ماه ژوئن منعقد گردید، مورد بحث قرار گرفته بود. این قطعنامه ها عمدتاً در مورد حقوق بشر، اعاده حیات

اقتصادی، رفاندوم قانون اساسی برای دوران بعد از صدام و همچنین خودمختاری کردستان در چارچوب عراق واحد، بودند. سخنگوی حزب دمکرات همچنین خاطرنشان کرد که کنفرانس سعی خواهد کرد در جهت انتخاب یک مجلس نمایندگان و حتی یک دولت موقت حرکت نماید. سرچیل کزار، سخنگوی جبهه میهنی کردستان اظهار داشت که نیروهای کرد معتقدند دولت موقت باید در شمال عراق و زیر کنترل کردها تأسیس گردد.

در بیانیه پایانی کنفرانس که در روز ۶ مهرماه صادر شد توافق شده است که صفوف ایزدیسون نزدیک تر گردیده و جنبش مردمی را در "سرعت بخشیدن به دستیابی به اهدافش در سرنگون سازی رژیم استبدادی و تأسیس یک دولت چند حزبی و پارلمانتاریستی تقویت کند". کنفرانس، مردم عراق و نیروهای نظامی کشور را فراخواند که در تلاش برای سرنگونی رژیم صدام به آنها به پیوندند و خطاب به خلق های عراق گفت: "فرزندان شما در نیروهای ایزدیسون متحد شده اند، بنابراین شما می بایست به آنها در دستیابی به وظیفه تاریخی شان کمک کنید".

رهبری جدید ایزدیسون محتملاً عملیات نظامی علیه نیروهای رژیم را به منظور فراهم آوردن شرایط یک خیزش توده ای در شهرهای اصلی عراق شدت خواهد بخشید. بیانیه همچنین پیش بینی کرد که هزاران نفر از پرسنل ارتش به قیام مردمی خواهند پیوست و متذکر شد که هواپیماهای آمریکایی و انگلیسی و فرانسوی که مناطق ممنوعه برای پرواز هواپیماهای جنگی رژیم - که بخش های وسیعی از کشور را شامل می شود- ایجاد کرده اند، از شورشیان ارتشی حفاظت خواهند کرد. بیانیه از ایجاد این مناطق ممنوعه برای پرواز هواپیماهای رژیم "به عنوان یک اقدام مهم در حفاظت از مردم" استقبال نمود.

بیانیه سازمان ملل را فراخواند که مناطق تحت کنترل شیبه به آنچه که در شمال عراق وجود دارد را در دیگر مناطق کشور برای حفاظت از مردم و غیرنظامیان بوجود آورد. بیانیه مردم جنوب عراق را فراخواند که "خلا سیاسی بی سابقه ای را که بر اثر اعلام مناطق ممنوعه برای پرواز هواپیماها بوجود آمده است، پرکنند".

ایزدیسون درصدد است که در اواخر اکتبر جلسه با اهمیت دیگری را در شمال عراق برگزار کند. در این جلسه تأسیس یک دولت موقت مجلس شورا و نیز انتخاب یک رهبری واحد برای ایزدیسون در سرلوحه کار قرار خواهد داشت. جلال طالبانی که در ماه مرداد رهبران اصلی دولت آمریکا را در واشنگتن ملاقات کرده بود، گزارش داده است که پیش شرط آمریکا برای حمایت از ایزدیسون وجود یک رهبری واحد است. رادیو دولتی جمهوری اسلامی ایران توافق ایزدیسون عراق را به عنوان یک "موقیت بی سابقه" که به سرعت بخشیدن به سرنگونی صدام از قدرت کمک می کند، ستود. باید خاطرنشان ساخت که هیئت نمایندگی "مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق" که مورد پشتیبانی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد و بخش عمده نیروهای آن در ایران مستقر می باشند در این کنفرانس شرکت داشته است.

## دیدار هیئت نمایندگی حزب توده ایران

## با هیئت نمایندگی احزاب برادر

## در جریان جشن سالانه

## روزنامه "اومانیته"

بنابه دعوت حزب کمونیست فرانسه، هیئت نمایندگی حزب توده ایران در جشن سالانه روزنامه "اومانیته"، ارگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه که در روزهای ۱۱ و ۱۲ سپتامبر ۱۹۹۲ در حومه پاریس برپا بود، شرکت جست.

هیئت نمایندگی حزب توده ایران طی این دو روز توانست با بسیاری از هیئت های نمایندگی احزاب برادر که در این مراسم شرکت داشتند، دیدار کند و با آنها پیرامون مسایل روز، منطقه و روابط فی مابین تبادل نظر و به گفتگو بنشیند.

هیئت نمایندگی حزب توده ایران با تدارک رفقای واحد فرانسه که در تدارک غرفه و گرداندن آن کوشش فراوان و خستگی ناپذیرشانه روزی به عمل آورده بودند متنی را به امضای رفقای رهبری احزاب برادر رساندند که در آن احزاب برادر حمایت خود را برای آزادی زندانیان سیاسی و استقرار و رعایت حقوق بشر در ایران اعلام داشتند.

اسامی احزاب امضا کننده این بیانیه به قرار زیر است:

## روزنامه (پراودا)

حزب کمونیست پرتغال

حزب کمونیست آلمان (د. کا. پ)

حزب کمونیست دانمارک

حزب سوسیالیست خلقی دانمارک

حزب کمونیست اسپانیا

حزب کمونیست آرژانتین

حزب کمونیست یونان

جبهه آزادیبخش فیلیپین

حزب کمونیست شیلی

حزب کمونیست اردن

حزب کمونیست سوریه

حزب سوسیالیسم دمکراتیک آلمان

(پ. د. اس)

اتحاد دمکراتیک مردم چاد (یو. ان. د)

کنگره ملی خلق آفریقای جنوبی (آ. ان. اس)

حزب کمونیست ویتنام

حزب کمونیست بلژیک

حزب سوسیالیست یمن

حزب کمونیست هندوستان

حزب پیشاهنگ سوسیالیستی الجزایر

حزب کمونیست عراق

حزب کمونیست کوبا

حزب کمونیست فرانسه

حزب وحدت سوسیالیستی ترکیه

## اتحاد در "بلوک چپ"

رهبران ۸ حزب و سازمان سیاسی، پیمان اتحاد در "بلوک چپ" (جبهه متحد نیروهای چپ و دمکراتیک ترقیخواه) را در روز شنبه ۱۹ سپتامبر در شهر استراوا در گردهمایی بزرگی که به مناسبت جشن روزنامه حزب کمونیست چک و موروا برگزار شده بود، به امضا رساندند. هنگام امضای پیمان اتحاد، هزاران نفر از اعضا و هواداران این احزاب و سازمان ها که در میدان اصلی محل برگزاری جشن گردآمده بودند با دادن شعارهای پرشور، رهبران خود را تشویق و تأیید می کردند.

احزاب و سازمان های متحد در "بلوک چپ" عبارتند از:

- جنبش ملی چک برای صلح و حقوق بشر؛
- چپ دمکراتیک چکسلواکی؛
- جنبش ۹۰؛
- جنبش برای ایجاد جامعه عادلانه و عشق به متنوع؛
- حزب کمونیست چک و موروا؛
- کلوب های زنان چپ؛
- حزب دمکراتیک چکسلواکی؛
- اتحادیه دمکراتیک رم ها (ژتیان ها)

علاوه بر احزاب و سازمان های مذکور، ۱۲ گروه سیاسی دیگر نیز به عنوان ناظر در "بلوک چپ" حضور دارند. رهبر حزب کمونیست چک و موروا رفیق سوبودا در کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشت: "در آینده بدون شک برخی از این گروههای سیاسی ناظر، به عضویت "بلوک چپ" در خواهند آمد. به نظر دبیر "بلوک چپ" میلان تاربا در خلال ماه اکتبر این اتحاد گسترش خواهد یافت.

در شرایط دشوار سیاسی - اقتصادی حاکم در کشورهای سابق سوسیالیستی هنگامی که نیروهای راست "تازه به دوران رسیده" کلیه دستاوردها در زمینه تامین اجتماعی را به تاراج می برند و با تبلیغات زهرآگین ضد کمونیستی همه نیروهای مترقی و دمکرات را زیرآتش گرفته اند، اتحاد این نیروها با حزب کمونیست در "بلوک چپ" از یک سو قانونگذاران و از سوی دیگر بسیار امیدوارکننده است. این امر نشان می دهد که به خاطر مصالح کشور و مردم زحمتکش، احزاب و سازمان هایی که اسیر "منافع گروهی" خود نیستند، سرانجام دگم ها را خواهند شکست و پیشداری های مفرضانه را کنار خواهند گذاشت.

### کمک مالی رسیده:

دنیا ..... ۱۰۰ مارک

## "مبارزه برای دمکراسی علی رغم همه دشواری ها"



"مبارزه برای دمکراسی علی رغم همه دشواری ها" عنوان مقاله ای است که در روزنامه "مورنینگ استار" به مناسبت پنجاه و یکمین سالگرد تاسیس حزب توده ایران درج گردیده است.

مقاله ضمن اشاره به تاریخ مبارزات حزب از آغاز تاکنون به تشریح برگزاری کنکره سوم حزب و تصمیمات اتخاذ شده در کنکره می پردازد. درمقاله می خوانیم:

"ارجماع در ایران بارها شکست کامل سوسیالیسم را اعلام کرده است و این در حالی است که خواندن آثار مارکس جرم بزرگی محسوب می شود. در سال ۱۹۸۳ آنها با دستگیری بیش از ۱۰ هزار نفر از اعضا و هواداران و سپس اعدام گروه وسیعی

از مبارزان کشور از جمله ۲۸ نفر از اعضای کمیته مرکزی و هیئت سیاسی حزب توده ایران مدعی شدند که حزب توده ایران را نابود کردند ولی این ادعاها نتوانسته است جلوی مبارزه را سد کند...

حزب توده ایران و نیروهای مترقی در ایران همواره از همبستگی وسیع نیروهای مترقی در سراسر جهان بهره مند بوده اند و این همبستگی امروز بیش از همیشه مورد نیاز است..."

## اتحاد وسیع اپوزیسیون در عراق

داد. در هفته های اخیر اعلام مخالفت نیروهای نظامی غرب که زیر پوشش اجرای مصوبات شورای امنیت سازمان ملل عمل می کنند با پرواز هواپیماهای نظامی، عملیات نیروی هوایی عراق در محدوده هوایی جنوب این کشور عملاً وضعیتی جدیدی یافته است. این وضع احتمال جدی از دست دادن کنترل دولت بعثی را در تحولات عراق که به دلیل ضربات جنگ و نیز تحریم اقتصادی شدیداً تضعیف شده است، تشدید کرده است.

برخی صاحب نظران سیاسی معتقدند که آمریکا به دنبال ماجراجویی صدام و بی ثباتی ای که اشغال کویت در منطقه خلیج فارس، این جریان حیاتی سوخت دنیای سرمایه داری، بوجود آورده به این نتیجه رسیده است که در شرایط کنونی موازنه نیروها در جهان و به ویژه در سایه "نظم نوین" جهانی بوش غرب می تواند بدون تکیه مستقیم به رژیم های مغفور و بدنام و غیرقابل کنترل مانند صدام منافع خود را در منطقه حفظ کند. نیروهای مخالف رژیم با درک این شرایط عملاً قدم های اساسی را در جهت فراهم آوردن امکان به قدرت رسانیدن یک آلترناتیو دمکراتیک برداشته اند.

درهفته اول ماه مهر جلسه وسیعی با شرکت قریب به اتفاق نیروهای مخالف رژیم درخاک عراق و

ادامه در ص ۷

تحولات سیاسی پرشتابی درهمسایگی کشورمان در عراق در جریان است. نشانه های بسیاری در دست است که دامنه این تغییرات به ویژه پس از شکست فضاخت آمیز و فاجعه بار حرکت ماجراجویانه رژیم بعثی در اشغال کویت گسترش یافته است که بالقوه می تواند اوضاع سیاسی و موازنه قدرت را در عراق به کلی دگرگون کند.

هم زمان با مراحل نهایی شکست ارتش عراق توسط نیروهای نظامی امپریالیسم آمریکا و متحدانش که زیر پوشش سازمان ملل عمل می کردند، مردم عراق با حرکتی توده ای در شهرهای کردستان و جنوب و مرکز عراق، این حقیقت را که آنها در ماجراجویی های دیوانه بار صدام حسین شریک نیستند، به نمایش گذاردند. سرکوب این جنبش مردمی توسط واحدهای ویژه ارتش عراق و راندن میلیون ها عراقی به کوهها و نیز عملکرد یک سلسله فاکتورهای متعدد و بعضاً نامتجانس منجمله توجه جهانیان به سرنوشت غم انگیز خلق کرد عراق که سنت های مبارزه جویانه و ترقیخواهانه آن در دهه های اخیر در معرض توجه افکار عمومی بین المللی بوده است منجر به تصمیم سازمان ملل برای زیرپوشش حفاظتی گرفتن محدوده شمال عراق گردید. این امر در عمل امکان رژیم بعثی را در سرکوب مستقیم جنبش خلق کرد به شدت کاهش

NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

NO : 386

October 13 , 1992

ADRESSE: Postfach 100644 1000 Berlin 10

نامه  
مردم

بها: ۲۰ ریال